

## تطبیق شخصیت‌پردازی در رمان و نقاشی سنتی معاصر ایران (با تأکید بر آثار بیژن نجدی و محمدباقر آقامیری)

### چکیده

شخصیت مهم‌ترین پایه و اساس هر داستان است که نقش مهمی در انتقال طرح و تم داستان دارد. داستان بر مدار آن می‌چرخد و بدون شخصیت هیچ داستانی شکل نمی‌گیرد. بیژن نجدی از جمله رمان‌نویسان بزرگ دوره معاصر است که رمان «یوزپلنگانی که با من دویده اند» از مشهورترین و ماندگارترین رمان‌های وی در ادب فارسی است که از فصاحت و بلاغت بسیاری برخوردار است. در هنر نقاشی نیز یکی از سوژه‌های مورد توجه شخصیت‌ها و مسائل مربوط به آن است و محمدباقر آقامیری از نقاشان معاصر در این زمینه دارای آثاری است. در این پژوهش با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی، انواع شخصیت از نظر ساختار، شیوه‌های شخصیت‌پردازی، زاویه دید، زمان و نمودهای به کار رفته از لحاظ بیرونی و درونی شخصیت‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که رمان بیژن نجدی شخصیت‌محور است و بیشترین تأکید آن بر روی شخصیت‌های اصلی داستان‌ها می‌باشد. از لحاظ شیوه‌های شخصیت‌پردازی، نویسنده بیشتر از روش غیرمستقیم سود جست‌ه است. اکثریت شخصیت‌های اصلی این رمان، شخصیت‌های ایستا هستند. تطبیق این نوع شخصیت-پردازی با آثار محمدباقر آقامیری نشان‌دهنده وجوه تشابه از نظر توجه به شخصیت و ابعاد آن است.

### اهداف پژوهش

۱. بررسی جنبه‌های مختلف شخصیت‌پردازی در رمان بیژن نجدی.
۲. تطبیق شخصیت‌پردازی در رمان بیژن نجدی و نقاشی سنتی معاصر با تأکید بر آثار محمدباقر آقامیری.

### سؤالات پژوهش

۱. شخصیت‌پردازی چه نقش و جایگاهی در رمان‌های بیژن نجدی دارد؟
  ۲. شخصیت‌پردازی در رمان و نقاشی سنتی معاصر ایران چه ویژگی‌هایی دارد؟
- واژگان کلیدی:** بیژن نجدی، محمدباقر میری، رمان معاصر، شخصیت‌پردازی، نقاشی سنتی معاصر.

## ۱. مقدمه

شخصیت محوری ترین از ویژگی های مهم در ادبیات داستانی است. شخصیت، فردیست که مانند اشخاص حقیقی از ویژگی-هایی برخوردار است و با این ویژگی ها، در داستان و نمایش ظاهر می شود. نویسنده ممکن است در داستان خود شخصیت ها را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم ارائه کند. شخصیت، کلید کارآمد داستان است و داستان های بزرگ نیازمند وجود شخصیت های بزرگ است. ادبیات داستانی به طور کلی به آثار روایتی تخیلی و خلاقه ی منثور در حوزه نثر داستانی گفته می-شود، و اساس این ادبیات، تخیل آدم ها و حوادثی است که ساخته و پرداخته ی ذهن انسان است. کار روایت در داستان بر عهده شخصیت های داستان است که پایه و اساس هر نوشتاری را تشکیل می دهند چراکه با اعمال و گفتارشان به آفرینش ماجرا و حوادث در داستان می پردازند. بیژن نجدی از نویسندگان معاصر در حوزه ادبیات داستانی است. مسئله ای که می توان طرح کرد، بررسی نقش شخصیت و شخصیت پردازی در رمان بیژن نجدی است. نکته قابل بررسی دیگر این است که نجدی بیشتر از چه شیوه ای در پردازش شخصیت های رمانش استفاده نموده است. در این دوره، شخصیت پردازی در آثار نقاشان بزرگ نیز قابل مشاهده است لذا در این پژوهش به تطبیق شخصیت پردازی در رمان بیژن نجدی با محمدباقر آقامیری پرداخته شده است.

درباره پیشینه تحقیق باید گفت که در زمینه ی بررسی عنصر شخصیت و شخصیت پردازی در رمان «یوزپلنگانی که با من دویده اند» کاری که به صورت مستقل و همه جانبه به زوایای مختلف عنصر شخصیت پرداخته باشد، مشاهده نشده اما پژوهش های دیگری بر روی آثار بیژن نجدی انجام شده است که در بعضی از آن ها به عنصر شخصیت در داستان های کوتاه بیژن نجدی اشاره شده است از جمله: آقاگل زاده و رضویان، (۱۳۹۳)، در مقاله ای تحت عنوان «شخصیت پردازی در داستان های کوتاه بیژن نجدی براساس نقش دستور نقش گرا»، شخصیت پردازی را براساس نظام گذرایی در دستور نقش گرا در سه داستان کوتاه نجدی مورد بررسی قرار داده است. جلیلیان، (۱۳۹۵)، در پایان نامه ی خود تحت عنوان «سبک شناسی داستان های کوتاه بیژن نجدی براساس الگوی سیمپسون» به بررسی ویژگی های سبک شناسی بر مبنای الگوی سیمپسون می پردازد که در این الگو شش واحد سبک شناسی معرفی می کند. این عناصر عبارتند از: ۱- واسطه متنی ۲- رمز زبانی جامعه شناختی ۳- شخصیت پردازی ۴- زاویه دید ۵- ساختار متنی ۶- بینامتنیت. محسن نژاد میانه‌ی، (۱۳۹۱)، در پایان نامه ی خود تحت عنوان «بررسی شگردهای سینمایی در آثار داستانی بیژن نجدی»، به بررسی شگردهای سینمایی در داستان های بیژن نجدی می-پردازد. مبنای نظری این پژوهش، نظریات رابرت مک مکی، استفان شارف، و دیوید بوردول است. البته باید یادآور شد که پژوهش حاضر، کاری کاملاً مستقل و متفاوت از دیگر پژوهش هایی است که بر روی آثار بیژن نجدی صورت گرفته است. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع مورد بحث انجام تحقیقی جامع در این زمینه ضرورت دارد. این مقاله که به شیوه ی توصیفی-تحلیلی شخصیت پردازی در یکی از رمان های نجدی را مورد بررسی قرار داده است ابتدا به بررسی مفهوم شخصیت و شخصیت پردازی در رمان «یوزپلنگانی که با من دویده اند» می پردازد. در مرحله بعد

انواع شخصیت از نظر ساختار روایی و شیوه های شخصیت پردازی مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. بحث دیگر در این پژوهش این است که شخصیت پردازی چه نمودی در نقاشی دوره معاصر و آثار نقاشی چون محمدباقر آقامیری دارد.

### نتیجه گیری

در این پژوهش ویژگی های عنصر شخصیت و شخصیت پردازی در رمان «یوزپلنگانی که با من دویده اند» مورد بحث و مذاقه قرار گرفته است و خواننده را با هنر نویسنده در چگونگی پردازش شخصیت های رمانش آشنا می کند. بدیهی است که چنین پژوهشی بسیاری از زیبایی های نهفته در آثار نجدی و قدرت او را در شیوه ی نویسندگی اش آشکار می کند و همچنین می تواند مورد استفاده سایر پژوهش گران در مطالعات بعدی آن ها شود. بیژن نجدی یکی از بهترین نویسندگان رمان پسامدرنیسم است و در نویسندگی تبخّر والایی دارد. کلام او از اوج فصاحت و بلاغت برخوردار است. رمان یوزپلنگانی که با من دویده اند، شخصیت محور است و محور داستان حول شخصیت های اصلی می چرخد. از لحاظ ساختار روایی نویسنده از انواع شخصیت های اصلی، فرعی، پس زمینه، نوعی، منافق و ایستا در رمان استفاده کرده است. بیشتر شخصیت های این رمان ایستا هستند. در شیوه های شخصیت پردازی نویسنده از هر دو روش شخصیت پردازی مستقیم و غیرمستقیم، در پردازش شخصیت های رمان خود بهره برده است. اما روش غیرمستقیم بیشتر بکار رفته است. در روش غیرمستقیم نویسنده از طریق گفت و گو، عمل، قیافه، نام و توصیف به پردازش شخصیت های رمان خود پرداخته است که در میان انواع شیوه های شخصیت پردازی غیرمستقیم، بیشتر از گفت و گو استفاده شده است و گفت و گو نقش مهمی در دادن اطلاعات به مخاطب دارد. شخصیت های این رمان، شخصیت های ساده و معمولی هستند. از نظر جنس بیشتر شخصیت های این رمان مرد و در مرتبه ی بعد زن می باشند. در یک کلام انسان هستند بجز دو داستان که شخصیت اصلی آن ها یکی اسب و دیگری عروسک است. از نظر نام در داستان، اسامی تکراری چون مرتضی، ملیحه و طاهر بکار رفته نویسنده اسامی شخصیت های خود را بیشتر محدود و معدود به این سه اسم کرده است. از لحاظ زمان، زمان این داستان بسیار آشفته است نویسنده گاهی خواننده را با خود به زمان گذشته گاه حال می برد و گاه در زمان آینده سیر می کند. در این رمان شخصیت ها به دو صورت نمود یافته اند، نمودهای بیرونی که عبارتند از جنس و سن شخصیت و نمودهای درونی که در برگزیده ی بیان عاطفه و احساس شخصیت، بیان تأثر و اندوه شخصیت و بیان فکر و استدلال شخصیت ها می باشند. بررسی تطبیقی شخصیت پردازی میان شخصیت پردازی در آثار بیژن نجدی و نقاشی های

محمدباقر آقامیری حاکی از این بود که شخصیت جزئی محوری از آثار این دو شخص است و شخصیت اصلی و فرعی، شخصیت روایت گر، بیان عواطف توسط شخصیت ها در آثار آن ها قابل مشاهده است.

## منابع و مأخذ

- امامی، مجید(۱۳۷۳)، شخصیت پردازی در سینما، چاپ اول، تهران: برگ.
- ایرانی، ناصر(۱۳۶۴)، داستان، تعاریف، ابزارها و عناصر، چاپ اول، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ایرانی، ناصر(۱۳۸۰)، هنر رمان، چاپ هشتم، تهران: نگاه.
- اخوت، احمد(۱۳۷۱)، دستور زبان داستان، چاپ اول، اصفهان: فردا.
- بارونیان، حسن(۱۳۸۷)، شخصیت پردازی در داستان های کوتاه دفاع مقدس، چاپ اول، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.
- براهنی، رضا(۱۳۶۸)، قصه نویسی، چاپ چهارم، تهران: حوزه هنری.
- بورنوف رولان و رئال اوئل(۱۳۷۸)، جهان رمان، ترجمه نازیلا خلخالی، چاپ اول، تهران: مرکز.
- پاینده، حسین(۱۳۸۵)، نقد ادبی و دموکراسی: جستارهایی در نظریه و نقد ادبی جدید، تهران: نیلوفر.
- پروینی، خلیل(۱۳۷۹)، تحلیل عناصر ادبی و هنری داستان های قرآن، چاپ اول، تهران: سروش.
- دقیقیان، شیرین دخت(۱۳۷۱)، منشأ شخصیت در ادبیات داستانی، چاپ اول، تهران: مؤلف.
- سلیمانی، محسن(۱۳۷۴)، فن داستان نویسی، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- جلیلیان، سارا(۱۳۹۵)، سبک شناسی داستان های کوتاه بیژن نجدی براساس الگوی سیمپسون (مطالعات موردی: مجموعه داستانی یوزپلنگانی که با من دویده اند)، کارشناسی ارشد، استاد راهنما: نوروزی، بیرجند: دانشگاه بیرجند.
- عبداللّهیان، حمید(۱۳۷۹)، کارنامه نثر معاصر، چاپ اول، تهران: پایا.
- فولادی تالاری، خیام(۱۳۷۷)، عناصر داستان های علمی – تخیل: با نمونه هایی از آثار ایزاک آسیمواف، ری بری برادبری، آلفرد بستر، جک ویلیامسون، چاپ اول. تهران: نی.
- مارتین، والاس(۱۳۸۲)، نظریه های روایت، ترجمه محمد شهباء، تهران: هرمس.
- میرصادقی، جمال و میرصادقی، میمنت (ذوالقدر)(۱۳۷۷)، واژه نامه هنر داستان نویسی، چاپ اول، تهران: مهناز.

- میرصادقی، جمال (۱۳۸۰)، عناصر داستان، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سخن.
- نجدی، بیژن (۱۳۹۵)، یوزپلنگانی که با من دویده اند، چاپ بیست و پنجم، تهران: مرکز.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۰)، پست مدرنیته و پست مدرنیسم، تهران: نقش جهان.
- آفاگل زاده، فردوس و رضویان، حسین (۱۳۹۳)، «شخصیت پردازی در داستان کوتاه بیژن نجدی براساس نقش دستور گرا»، نخستین کنفرانس زبان شناسی نقش گرا، صص ۴۴-۳۵.
- آقامیری، محمدباقر (۱۳۶۱)، «از سنت تا بدعت»، فصلنامه هنر، شماره ۲، صص ۱۴۱-۱۳۸.
- ابویسانی، حسین (۱۳۹۱)، «پست مدرنیسم در متن ادبی کولاج»، مجله زبان و ادبیات عربی (علمی پژوهشی)، سال ۴، شماره ۷، صص ۲۶-۱.
- حجاری، لیلا و قاسمی، پروین (۱۳۹۰)، «نگاهی به ویژگی های پسامدرنیستی داستان های ناتمام (A+B) اثر بیژن نجدی»، مجله بوستان ادب دانشگاه شیراز، سال سوم، شماره ۱، صص ۱۲۴-۱۰۰.
- سالمیان، غلامرضا و دیگر همکاران (۱۳۹۳)، «تحلیل خاطره نوشته ی نورالدین پسر ایران از منظر عنصر شخصیت»، فصلنامه ی ادبیات داستانی نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی کرمانشاه، سال دوم، شماره ۶، صص ۵۱-۳۷.
- سوره (۱۳۶۹)، «نقاشی ایرانی، بستان خیال»، مصاحبه شونده: محمدباقر آقامیرک، سوره، شماره ۲، صص ۴۹-۴۵.
- فرشچیان، محمود، رجبی، محمدعلی، آقامیری، محمدباقر، مهرگان، مجید (۱۳۷۲)، «شکوه و شکوفایی نگارگری»، کیهان فرهنگی، شماره ۱۰۱، صص ۹-۴.